

## آنا یسیپووا

«بانوی پیانیستی، که شما را شگفت زده می کند»



### داده‌های بنیادی

یسپووا (در زمان شوهرداری: لیشتیتسکایا، یسیپووا. لیشتیتسکایا)، آنا نیکولایونا

پیانیست، نوازنده پیانو در گروه سازی؛ آموزگار؛ استاد زحمتکش (۱۹۰۸)؛ همسر ت. لیشتیتسکی

زادروز: ۳۱ ژانویه (۱۲ فوریه) سال ۱۸۵۱ در شهر سن پترزبورگ

تاریخ مرگ: ۵ (۱۸) اوت سال ۱۹۱۴ (در ۶۳ سالگی) در شهر سن پترزبورگ

کشور: امپراتوری روسیه

پیشه: پیانیست، آموزگار موسیقی

آنا یسیپووا نخستین بانوی پیانیستی به‌شمار می‌آمد، که پذیرش جهانی بدست آورد و دل‌های شنوندگان اروپایی و آمریکایی را با استادی یگانه خود شیفته ساخت. او یکی از نخستین موسیقی‌آموزان تئودور لیشتیتسکی، آموزگار برجسته موسیقیایی به‌شمار می‌آمد، که سپس با کاربرد روش آموزشی استاد خود، ادامه‌دهنده کار او شد. یسیپووا یکی از پایه‌گذاران بزرگترین اندیشکده‌های پیانویی در خاک روسیه به‌شمار می‌آمد، و روش آموزشی بی‌مانند لیشتیتسکی، بدل به پایه روش آموزشی او شد. شخصیت او از آن دسته از پدیده‌های کمیاب است، هنگامی که توانایی بسیار والای اجرایی با توانایی برجسته یک آموزگار آمیخته می‌شود. سرنوشت این زن با نمایی آرام و با چهره‌ای مبارز و پارسا به‌گونه‌ای روبراه همراه نبود. کنسرت‌های او در شهرهای اروپا و ایالات متحد آمریکا با کامیابی و شور تماشاگران روبرو شده، برانگیزنده واکنش‌های آفرین‌گویان در روزنامه‌ها شدند. چایکوفسکی، سزار کویی، الکساندر گلازونوف، فرانس لیست، یوسف گوفمان و دیگر هم‌دورانان برجسته او، اجرای او را بسیار ارزشمند به‌شمار می‌آوردند.

### زندگی‌نامه

آنا یسیپووا در ۱۲ ماه فوریه سال ۱۸۵۱ در شهر سن پترزبورگ، در خانواده یک کارمند نادار چشم به جهان گشود. از همان دوران کودکی در او شایستگی بسیار موسیقیایی پدیدار شد. کمتر کسی می‌توانست بگونه‌ای شایسته این توانایی موسیقیایی درخشان را، که از دوران کودکی در او نمایان شد، ارزش بگذارد. دختر بچه، خود راه خویش را به‌سوی پهنه اجرایی باز کرد: روزهای پرشماری آواز می‌خواند؛ از راه شنوایی آنچه را که می‌شنید اجرا می‌کرد؛ نواختن از روی برگ‌نُت را به‌گونه‌ای درخشان فرا گرفت؛ و یک‌بار، هنگامی که هفت سالش بود، با شنیدن کنسرتی به‌همراه پدر، به‌ناگهان به روی پهنه اجرایی رفته و ساخته‌ای را که اجرا شده بود نواخت. توانایی‌های والای او با سرشت سرکش او آمیخته شد: پافشاری بر خواست خود، رام‌نشدنی و آتشین.

او شنوایی موسیقیایی باریک‌بینانه‌ای داشت و بی‌درنگ آهنگ‌های دارای پچیدگی‌های گوناگون را با ساز روبال می‌نواخت. در آموزش‌گاه شبانه‌روزی آزاد [شخصی]، شروع به یادگیری نوازندگی فورته پیانو کرده، اما از برای مشکلات پولی خانواده، آموزش‌ها به ناچار گسسته شدند. اما آموزش کارشناسانه او از ۱۳ سالگی آغاز شد. در این سن یسیپووا در رشته فورته پیانو، ابتدا در بخش آمادگی نزد الکساندر ایوانوویچ ویل‌لوآن در آموزش‌گاه والای موسیقی سن پترزبورگ پذیرفته شد. در آن‌جا آنا ناچار شد تا از پیش یک آموزگار به‌نزد آموزگاری دیگر برود. پس از کناره‌گیری ویل‌لوآن از آموزش در این رشته در آموزش‌گاه والای موسیقی، آنا پیش ک. وان آرک، و سپس نزد ت. لیشتیتسکی فرستاده شد (۱۸۶۵ - ۱۸۷۰). فئودور لیشتیتسکی خردمند و تیزبین، سرپرست او در کار آموزشی شد. در بهار سال ۱۸۶۵ نزد ک. ک. فان آرکو، و از سال ۱۸۶۶ آموزش خود را نزد تئودور لیشتیتسکی ادامه داد. این لیشتیتسکی بود که با بردباری بسیار، سخت‌گیری و کوشش به موسیقی‌آموز خود، توانست در او کوشش به ساخته‌های کلاسیک را بی‌رواند، و ویژگی‌های سرشت «سرکش» او را بهبود بخشد و آنها را به‌سوی درست ببرد. بنابر درخواست و خواهش گروه سرپرستی آموزش‌گاه والای موسیقی، هزینه آموزش او از سوی پشتیبانی چون ای. ا. اوتین پرداخت می‌شد. در سال ۱۸۶۸ با کامیابی در زالسبورگ برای نخستین بار برنامه اجرا کرد؛ نخستین اجرای پیانیست در برابر تماشاگران در زالسبورگ، موتسارتتوم، ۱۸۶۸، کنسرتوی فورته پیانوی شماره یک ف. شوپن به رهبری لیشتیتسکی بود.



با کمک لیشتیتسکی سبک و جهان‌بینی هنری آنا یسیپووا پا گرفت. او آراستگی [دیسپلین]، سازمان‌دهی و چیرگی بی‌چون و چرا بر فن نوازندگی را به پیانیست جوان آموزش داد. پس از به پایان رساندن آموزش‌گاه والای موسیقی در سال ۱۸۷۱ با نشان زرین، یسیپووا کنش‌گری کنسرتی بسیاری از خود در بیرون از روسیه نشان داد. نخستین اجرا در زالسبورگ در سال ۱۸۶۸ برای او نخستین کامیابی چشم‌گیر را به همراه آورد. در تاریخ ۲ ماه نوامبر سال ۱۸۶۹ نخستین اجرای یسیپووا در پترزبورگ، در کنسرت سمفونیک انجمن موسیقی روسیه، در جایی که او ۴ کنسرتوی بتهوون را با ارکستر به رهبری ل. ف. ناپراونیک اجرا کرد، انجام شد. از سال ۱۸۷۱ پیانیست در اروپا زندگی و به بیشتر کشورهای جهان گردش‌گری می‌کرد. پس از اجرای برنامه در گیواندهاوس (لایپزیک، آلمان، ۱۸۷۱)، همچون نماینده زن هنر پیانونوازی روسی پذیرش جهانی به‌دست آورد. خُرده‌گیران [نقادان]، ویژگی نوازندگی او را اجرای سبک و باریک‌بینانه و آوا دهنده‌گی پیانو به‌گونه آوازخوانی برمی‌شمردند. در برنامه اجرایی او، ساخته‌های ف. شوپن، ف. شوبرت، ف. مندلسون، و. موتسارت، ل. بتهوون، و همچنین پارچه‌های موسیقیایی زبردستانه و مردم‌پسند گنجانده شده بودند. در میان سال‌های ۱۸۷۳ تا سال ۱۹۱۴ دوران درخشان برنامه‌های کنسرتی پُر کنش او ادامه پیدا کردند. کامیابی یسیپووا در بیرون از روسیه، بی‌چون و چرا به‌شمار می‌آمد. واکنش‌های ستایش‌گرانه در رسانه‌ها گواه بر این‌اند. روبینشتاین او را «از بزرگترین زنان پیانیست دوران» به‌شمار می‌آورد. موسم سال ۱۸۷۴، هنگامی که یسیپووا در سن پترزبورگ، انگلیس و لهستان مهمان بود، به‌ویژه در یادها ماندگار ماند. در سال ۱۸۷۵ آ. س. فامیتسین بیان داشت:

«در کنار هموارگی، در کنار باریک‌بینی و سامان‌مندی اجرای آفریده‌های هنری همه اندیشکده‌ها، ما بر آن گمان هستیم، که ساخته‌های شوپن جای بنیادین را در کار او پر می‌کنند.» (درباره کنسرت آ. ن. یسیپووا؛ برگ موسیقیایی، ۱۸۷۵، شماره ۱۵)

در سال‌های ۱۸۷۶ - ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ یسیپووا در ۲۶ شهر، همچنین در نیویورک، بالتیمور، بوستون، شیکاگو و دیگر شهرهای ایالات متحد آمریکا در ۳۷ برنامه‌گوناگون ۱۰۶ کنسرت داد. در نوشته‌های پرشمار در روزنامه‌ها، نوازندگی یسیپووا بسیار ارزشمند دانسته شد. در این دوران، پیانیست، درجه ستاره جهانی را دریافت کرد. در سال ۱۸۷۸ همسرت. لِشیتیتسکی شد. در سال ۱۸۸۴ از آموزش‌گاه والای موسیقی پاریس به او پیشنهاد شد تا در یکی از کنسرت‌های سالانه بزرگ هنبازی کند. برجستگی در آن بود، که بنابر آیین [سنت] در این کنسرت‌ها تنها موسیقی‌دانان فرانسوی هنبازی می‌کردند. از این آیین بسیار کم دست کشیده می‌شد و چنین کاری با خود رویداد بسیار بزرگی را در زندگی پاریس به نمایش می‌گذاشت. تا این دوران تنها به آ. روبینشتاین و گ. ویناوسکی چنین سرافرازی داده شده بود.

در سال ۱۸۸۷ یسیپووا از آ. روبینشتاین پیشنهاد سرپرستی رشته فورته پیانو در آموزش‌گاه والای موسیقی سن پترزبورگ را دریافت داشت. در پیوند با کنش‌گری هنری آفرینش‌گرانه بسیار و برنامه‌های اجرایی برنامه‌ریزی شده پرشمار، یسیپووا این پیشنهاد را رد کرد. در میان سال‌های ۱۸۸۷ و ۱۸۹۳ او در اروپای باختری، انگلیس و روسیه برنامه اجرا می‌کرد. تا سال ۱۸۹۳ در بیرون از روسیه زندگی می‌کرد. به شهرهای بزرگ روسیه و اروپای باختری گردش‌گری هنری کرده، ۸۰ تا ۹۰ کنسرت در موسم کنسرتی می‌داد که در آن آفریده‌های آهنگ‌سازان آمریکایی را نیز گنجانده بود. او ساخته‌های آ. روبینشتاین، آ. ک. گلازونوف، آ. ک. لیادوف، آ. س. آرنسکی، آ. ن. اسکریابین، س. و. راخمانینوف، ن. ن. چرپین، ف. م. بلومنتال، م. م. ایپ پولیتوف، ایوانوف و دیگران را اجرا می‌کرد. سبک اجرایی یسیپووا، دارای اندیشه روشن و سامانمند، ذوق بزرگ‌منشانه و زبردستی بی‌چون‌وچرا در نوازندگی بود. درباره استادی اجرای زبردستانه او، ا. هانسلیک، ب. شوئو، س. آ. کوپی، گ. آ. لاروش، و. گ. کاراتیگان، آ. و. اُس سووسکی و دیگران نوشته‌اند. کامیابی بزرگ یسیپووا، نام او را در یک درجه با نام‌های آ. روبینشتاین و ک. شومان جای داد. یکی از پسین‌ترین کنسرت‌ها، یادداشت شده در دفتر کوچک یسیپووا در ورشو در سال ۱۸۹۲، ۸۷۳مین اجرای پیانیست بر روی پهنه اجرایی به‌شمار می‌آمد. توانایی سرشتین در آمیزش با اندیشکده بالنده، راه او را به همگی سبک‌های موسیقی فورته پیانو باز می‌کرد. یسیپووا بی‌چون‌وچرا بر فن انگشتان چیرگی داشته و دارای تماس نرم روشن انگشتان با کلیدهای ساز بود. پیانیست به‌راستی جایگاه پیشرو را در میان پیانیست‌های پذیرفته شده باختر زمین آن دوران، همچون س. منتر، ل. گادووسکی، ای. پادروسکی، ا. د. آبرت داشت.



تئودور لِشیتیتسکی

در کنار این، در نوازندگی یسیپووا، روشن‌اندیشی بر احساس برتری داشت، از این رو اجرای او دارای درخشندگی احساساتی نبود. بازنگری بنیادین برداشت‌های آیینی [سنتی] برای پیانیست، از ارزش نوازندگی او کم نکرده و آن را «یخ‌زده» نمی‌کرد. همه زنجیره احساسی در سایه روشن‌های باریک‌بینانه، فرازبندی، و تماس با کلیدهای فورته پیانو نمایش داده می‌شد. یسیپووا دارای برنامه اجرایی گسترده‌ای بود. کنسرت‌های او بیشتر دارای سه بخش، و تا سه ساعت بودند. ساخته‌های شوپرت، شوپن، شومان، لیست، مندلسون برنامه بنیادین او به‌شمار می‌آمد. اما، پیانیست، ساخته‌های تالارین را که پاسخ‌گو به خواست تماشاگران باشند، همچون ساخته‌های موشکوفسکی، لِشیتیتسکی، تالبرگ، گیزلت، نیز در برنامه اجرایی خود می‌گنجاند. اما شوپن، که ساخته‌هایش را یسیپووا با لرزش و ژرفای ویژه اجرا می‌کرد، آهنگ‌ساز بنیادین در هنر آفرینش‌گرانه او به‌شمار می‌آمد.

ساختارهای کوچک و پارچه‌های موسیقایی فورته پیانویی جایگاه بنیادین را در کار اجرایی یسیپووا پر می‌کرد. او بود که برای نخستین بار در تاریخ شروع به اجرای ساخته‌هایی کرد، که پیشکش یک آهنگ‌ساز یا یک جُستار شده بودند. این‌گونه، با اجرای ساختارهای کوچک، پیانیست کنسرت‌هایی را برگزار می‌کرد، که با تلاش برای نمایش رِساسازی ژانر، پیشکش تاریخ ورزش‌های انگلستان [اتودها]، از چرنی گرفته تا راخمانینوف شده بودند.

آن‌گونه که گ. م. کوگان به یاد می‌آورد:

«یسیپووا، پدیده‌ای پیانیستی، بیرون از دوران و کشور خود به‌شمار می‌آمد. او در درازای بیست و چند سال با کنسرت‌ها به همه دنیا گردش‌گری کرد. کام‌یابی او بسیار بزرگ بود. پاریس و لندن، شهرهای آلمان و آمریکا با شور بسیار برای پیانیست روسیه کف می‌زدند. این، تنها کام‌یابی خودی [شخصی] یسیپووا به‌شمار نمی‌آمد: این عبارت بود از چرخش‌گاهی [نقطه عطف] در بالندگی ارزش

جهانی هنر پیانیستی روسیه.»

در برنامه اجرایی یسیپووا همهٔ سبک‌ها به نمایش گذاشته شده بودند. برنامه‌های کنسرتی او دارای پهنهٔ گسترده‌ای بودند: از موسیقی دیرین تا آ. گ. روبینشتاین، پ. ای. چایکوفسکی، گ. ویناوسکی، پارچه‌های موسیقایی م. موشکوفسکی، ب. گودار، ل. نوپرت، ی. راف، ای. پادروسکی، لیشیتسکی، ک. تائوزیگ، آ. گنسلت، ل. دلیب و دیگران. او جایگاه بنیادین را به آفریده‌های ژمانتیک‌ها می‌داد.



آ. ن. یسیپووا. [سال‌های ۱۸۸۰]

پس از جدایی از لیشیتسکی در سال ۱۸۹۲ یسیپووا، بنا به پیشنهاد روبینشتاین در سال ۱۸۹۳ جایگاه استاد فورته پیانو را در آموزش‌گاه والای موسیقی سن پترزبورگ پر کرد. همچون پیانیستی برجسته، او خواهان آن بود تا دانش و توانایی‌های خود را به موسیقی‌دانان شایستهٔ دیگر واگذار کند. آنا زود هنگام شروع به آموزش کرد؛ به‌هنگام دانشجویی، او دستیار استاد لیشیتسکی به‌شمار می‌آمد، و همچنین روایید آموزش را به‌هنگام نبود او به‌دست آورد. او به‌گونه‌ای صددرصد هوده [قانون]‌های روش آموزشی استاد را پذیرفت و آنها را به‌کار گرفته، آنها را از منشور درک خویشتن خویش گذراند. او حتی به‌هنگام کنش‌گری تلاش‌مند کنسرتی، زمان آن را پیدا می‌کرد، تا با پیانوآموزان کار کند. این‌گونه، او در وین آرتور اشنابل را که برای آموزش به نزد لیشیتسکی آمده بود، آموزش داد. استاد [یسیپووا] در نخستین سال، به پیانیست جوان، رسازای فن نوازندگی خود را یاد داد.

از سال ۱۸۹۳ آنا بگونه‌ای همه‌سویانه خود را پیشکش کار آموزشی کرد. زنی بی‌اندازه‌هنگام [وقت]‌شناس و پاسخ‌گو بود، و این را نیز از پیانوآموزان خود می‌خواست. او تا اندازه‌ای آموزش‌های باز را سازمان‌دهی کرده، و خواهان آن بود تا همهٔ پیانوآموزان در آن

هنبازی کنند، که به بازدهی بیشتر آموزش کمک می‌کرد. او روش آموزش زنده، کم سخنگویی، و آموزش بسیار با دست‌ها را ارزش-مندترین بن‌پایه در کار آموزشی به‌شمار می‌آورد.

یسیپووا هوادار گونه نوازندگی تلاش‌مند برپایه فن انگشتی به‌شمار می‌آمد. او در آموزش‌گاه سرگرم آموزش بود و بیش‌و کم همچون نوازنده در گروه سازی به اجراهای کنسرتی ادامه می‌داد. در سال‌های ۱۸۹۲ - ۱۹۱۱ در گروه سه‌تایی با ل. آثر (ویولون) و آ. و. ورژیپیلوویچ (ویولونچل) هنبازی می‌کرد. در سال‌های ۱۸۹۴ - ۱۹۱۳ همراه با آثر برنامه اجرا کرده، گزیده سونات‌های بتهوون، موتسارت، برامس، شومان، ا. گریگ و دیگر آهنگ‌سازان را می‌نواخت. همچنین با آ. روبینشتاین چهاردستی نوازندگی می‌کردند.

در ابتدای آموزش، ۱۲ تن برای یادگیری نوازندگی پیانو نزد یسیپووا می‌رفتند. پس از چند سال، شمار آنان به ۴۲ تن رسید. در میان موسیقی‌آموزان در دوران‌های گوناگون نام‌هایی چون الگا کلانتارووا، گوریل ژمانووسکی، توماس د گارتمان، آلفرد مروویچ، ولادیمیر درازدوف، سرگی تارنووسکی، لئونید کریسلر، یوزف تورچینسکی، ناتالیا پوزنیاکووسکایا، آناستاسیا آبدوشلی، ویرسالادزه، آلكساندر بارووسکی، باریس زاخاروف، آلكساندر زی لیگر، سرگی پراکوفی یف سرگی و همچنین اسیدور آخرون، سیمون بارر، ماریا یودینا و باریس فومین دیده می‌شدند.

یسیپووا براسستی در آموزش‌گاه والای موسیقی پتربورگ فرمانروایی می‌کرد ... پذیرفته شدن از سوی یسیپووا، از ته دل، آرزوی هر پیانیست جوان در کی‌یف و ساراتوف، رُستوف و یکتربنبرگ به‌شمار می‌آمد. بیست سال کار در آموزش‌گاه والای موسیقی پتربورگ، دوران طلایی در تاریخ آموزش و پرورش پیانونوازی روسیه به‌شمار می‌آمد، که درایش نمایانی بر هنر پیانونوازی جهان گذاشت.

در ابتدای سال‌های ۱۹۰۰ یسیپووا دست‌به‌کار آفرینش آموزش‌نامه سامان‌مند «اندیشکده فورته پیانویی» زد. این کار به پایان نرسید، اما بسیاری از بخش‌های آن به اندازه بسنده دارای کارکرد بایسته بودند و با خود کشش کارشناسانه‌ای را نشان می‌دادند. برخورد ژرف یکایی [فردی] به هر دانشجو برپایه روش یسیپووا جای داشت. پیانیست هوادار کوشای فن نوازندگی انگشتی بود، اما اگر نیاز به داشتن کیفیت برای پیانوآموز بود، برای او آزادی جنبش، هماهنگی نوازندگی و سبکی اجرا را روا می‌داشت. در درازای چند دهه کنش‌گری آموزشی، آنا نزدیک به ۲۶۰ پیانیست را آموزش داد. سرگی پراکوفی‌یف، آلكساندر بارووسکی، ماریا یودینا، ایزابللا ونگرووا، گوریل ژمانووسکی، یوزف تورچینسکی، سیمون بارر و دیگران در میان آنان بودند. در سال ۱۹۰۶ یسیپووا شماری از ساخته‌ها از برنامه اجرایی خود را، که به ما امکان داوری درباره استادی اجرایی هنرمند را می‌دهد، بر روی نوارهای آوایی برگین [کاغذی] روزه‌دار ولتی‌یه-مینون نوشت [ضبط کرد]. این‌ها عبارتند از ریگولتوتوی وردی، لیست، سامنامبولای پللینی، تالبرگ، مازورکای سی-مینور و پیش‌گفتار موسیقیایی [پرلود] شوپن، دگرگونی‌های آهنگین [واریاسیون‌ها] بر روی جُستار موسیقیایی کلارا شومان از سونات شماره ۳ فا-مینور، اپوس ۱۴.



آ. ن. یسیووا. استاد آموزش‌گاه والای موسیقی سن پترزبورگ. سال‌های ۱۹۰۰

آموزگاران آموزش‌گاه والای موسیقی او را بی‌چون‌وچرا ارجمند به‌شمار می‌آوردند. او هموندی همیشگی رایزنی [شورای] هنری و دارای هنایش [تاثیر] بسیار بود. دارای اراده و خرد نیرومند و جایگاه میهنی درست [دقیق] ای بود. در سال ۱۹۰۵ با آگاهی از بیکارسازی ن. آ. ریمسکی-کورساکوف از آموزش‌گاه والای موسیقی، به نشان همبستگی درخواست‌نامه‌ای مبنی بر پایان کار خود در آموزش‌گاه والای موسیقی نوشت. در یکی از روزنامه‌ها، نامه سرگشاده‌ای با خواست آزادسازی آموزش‌گاه والای موسیقی از خودکامگی انجمن امپراتوری موسیقی روسی به چاپ رساند. تنها پس از دریافت خودگردانی و گزینش آ. ک. گلازونوف برای سرپرستی آموزش‌گاه والای موسیقی، به گروه استادان آن بازگشت.





لوله برگین روزنه دار. س. تالبرگ: رویا [فانتازیا] «سومنامبول»، رویایی بر روی جُستارهای آهنگین نمایش آوازی بللینی. اجرا کننده: آنا یسیپووا. سیم پیچ. Welte. بنگاه. «م. ولته و پسران». آلمان، ۱۹۰۶

یسیپووا سامانه آموزشی نوینی را، برپایه هوده‌های اندیشکده لِشْتیستسکی و اندوخته سرشار اجرایی خود گسترش داد. پذیرش روش آموزشی فورته پیانویی (روشنی فرود انگشتان بر روی کلیدهای پیانو، رهایی دست از شانه، نرمی مچ دست در کنار انگشتان نیرومند، کاربردهای ویژه فرازبندی، ویژگی‌های آگوتیک<sup>۱</sup>، کاربرد درست پای [پدال]ها، دینامیکا، آرایش، و از این‌گونه)، برپایه اندیشکده فورته پیانویی و جستارهای برداشت هنری یسیپووا جای داشتند. به این‌ها کار خودگردان معنادار بر روی ساخته موسیقایی افزوده می‌شد. یسیپووا روشن‌اندیشی موسیقایی و توانایی‌های خودی-کارشناسی [شخصی-حرفه‌ای] پیانوآموز را با به‌دیده انگاشتن ویژگی‌های خودگردانی هنری او گسترش می‌داد. روش نمایشی در آموزش را روش بنیادین آموزش و پرورش نوازندگی پیانو به‌شمار می‌آورد. او که دارای برنامه اجرایی بسیار گسترده‌ای بود، به‌هنگام آموزش از هر جایی با دستان جدا از یکدیگر، و با نواختن بخش همراهی کنسرتوهای پیانو، از بر می‌نواخت. او کار پایان نیافته «اندیشکده فورته پیانویی آ. ن. یسیپووا» را با عنوان «Sempre avanti» («همواره به‌پیش») بر جای گذاشت، و آن را پیشکش ی. ای. ایلین، پیانوآموز دوست‌داشتنی خود کرد. یسیپووا در سال‌های پایانی زندگی در بهینه‌سازی خود، شماری از پارچه‌های موسیقایی فورته پیانو از آهنگ‌سازان هم‌دوره‌اش را از برنامه اجرایی کنسرتی خود (سن پترزبورگ: بنگاه چاپ موسیقی. ک. لئوپاس، ۱۹۰۳ - ۱۹۰۵) به چاپ رساند.



آننا نیکولایونا یسیپووا به‌هنگام نوشتار آوایی برای *Welte-Mignon*، سال‌های ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶.

در آموزش‌گاه والای موسیقی، او استادِ درجهٔ دوم رشتهٔ ویژهٔ فورته پیانو (۱۸۹۳ - ۱۹۰۱)، استاد درجه یک (۱۹۰۱ - ۱۹۰۸) و استاد شایسته (۱۹۰۸ - ۱۹۱۴) به‌شمار می‌آمد. دستیاران او عبارت بودند از ا. ک. کالانتارووا و ن. ن. پوزنیاکووسکایا.

در درازای سال‌های آموزش در آموزش‌گاه والای موسیقی پترزبورگ، آننا یسیپووا شمار همه‌سویانه‌ای از موسیقی‌دانان را پروراند که در هنر آفرینش‌گرانهٔ خود دارای سبک ویژهٔ خود بودند، اما برای هنر میهنی، بالندگی بر جای گذاشتند: سرگی پراکوفی‌یف، لئونید کرویتسر، ولادیمیر درازدوف، آکساندر درازدوف، الگا کالانتارووا، آناستاسیا آبدویشلی، ویرزالادزه، ایزابللا ونگرووا و دیگران. در دیرینکدهٔ موسیقیایی مردمی-کشوری روسیه می‌توان نوازندگی این پیانیست برجسته را شنید.

در بنیادهای دیرینکده‌گردی‌های موسیقیایی با نوشتار آوایی اجراهای او، و همچنین نمونه‌های پیش‌تر نوشتارهای آوایی-نوارهای آوایی برگین برای *Welte-Mignon* (پیانینوی مکانیکی)- سال ۱۹۰۶ نگه‌داری می‌شود. برخی از نگاره‌ها و نامه‌های آننا نیکولایونا از گلچین دیرینکده [در موزه]، امروزه به نمایش گذارده شده‌اند.



استاد آموزش‌گاه والای موسیقی پترزبورگ، آ. ن. یسیپووا در پشت ساز فیسگارمونی

آنا نیکولایونا یسیپووا در ۱۸ ماه اوت سال ۱۹۱۴ در ۶۳ سالگی در شهر سن پترزبورگ از دنیا رفت و در همانجا، در آرامگاه پرستش‌گاه مسیحی نیکولسکویه، در گورستان آکساندر-نوسکی به خاک سپرده شد.

پسر او یوگنی ایوانوویچ ایلین (۱۸۷۷ - ۱۹۱۵)، پیانیست، دارای پیوند زن و شوهری با الگا کالانتارووا - پیانوآموز مادر خود- بود. پسر یسیپووا نیز در آرامگاه نیکولسک گورستان آکساندر نوسکی به خاک سپرده شد. در سال ۱۹۴۸ مادر و پسر بار دیگر در «آرامگاه استادان هنر» به خاک سپرده شدند. آنگاه اما بر روی آرامگاه، تندیس از آ. آرگنتی، ساخته شده در سال ۱۹۰۰ (با بال‌های فرشته و چلیپای از دست رفته) جای گرفت. برادر کوچک او ولادیمیر نام داشت.



آرام‌گاه آ. ن. یسیپووا در مزارستان آکساندر نوسکی

### پس‌گفتار

به دوست‌داران موسیقی و همچنین موسیقی‌دانان و به‌ویژه نوازندگان پیانو و با آنهایی که سرگرم یادگیری نوازندگی این ساز هستند پیشنهاد می‌کنم تا به نوازندگی یسیپووا در اینترنت گوش کنند!

برگردان نوشته‌هایی دربارهٔ آنا نیکولایونا یسیپووا در برگ‌های اینترنتی از زبان روسی به زبان پارسی و گزینش برخی از نگاره‌ها از بابک بردیا (آهنگ‌ساز، پروفیسور [استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها!)

برلین. ۲۳ ماه مه سال ۲۰۲۵

<sup>۱</sup> آگوگیک: آگوگیک (از یونانی باستان به معنای رهبری کردن، هدایت کردن، عمل کردن، انجام دادن، به‌نمایش گذاشتن) به هنر تغییر سرعت اجرا (و گاهی تغییر الگوهای ریتمیک) در هنگام اجرای موسیقی گفته می‌شود، با هدف زنده‌تر، پُرحس‌تر و بیان‌مندتر کردن آن.